



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۵ فروردین ۱۳۹۰
۲۵ مارس ۲۰۱۱

امان کفا

لیبی و درسهای آن برای کارگران ایران

مسلماً برخورد به آنچه در لیبی در جریان است، حائز اهمیت است. در اولین نگاه، همه شاهد بودیم که سیر تحولات در لیبی با آنچه در تونس و یا مصر اتفاق افتاد تفاوت های زیادی داشت و همین تفاوت ها در پروسه خود شرايطی را فراهم آورد که بررسی لیبی را، به مثابه کیسی مشخص، ملزم می کند.

برای ما کمونیست هایی که احتمالاً صدایمان به گوش کارگران و مردم لیبی در حال حاضر نمی رسد، و توان مان برای تأثیر گذاری در سیر این اتفاقات کم است، برخورد به تحولات لیبی جایگاه خاصی دارد چون می تواند درس هایی برای جنبش ما در ایران داشته باشد و در تحکیم صف کمونیستی طبقه کارگر، موثر باشد. هدف از این بررسی تلاشی در این جهت است.

تا آنجا که به حکومت مربوط است، "دولت" در لیبی، با مصر هشتاد میلیونی متفاوت است. قذافی بر خلاف مبارک، برخاسته از جنگی و نمایندگی ناسیونالیسم عرب، که توسط ناصر نمایندگی می شد، نبود. حاکمیت قذافی نتیجه توافقی، هر چند خشونت آمیز، در میان سه قبیله اصلی در لیبی بود. در مصر دولت، حتی در بیان و حفظ ظاهر هم که شده، به مثابه دولت مطرح بود، در صورتیکه در لیبی چنین صفحه ۲

مسیر اعتراضات در عراق

گفتگوی کمونیست با سمیر عادل رئیس کنگره آزادی عراق و عضو رهبری حزب کمونیست کارگری عراق

کمونیست: تحولات تونس و مصر به عراق هم کشیده شده است و اعتراضات در شهرهای مختلف عراق به وقوع پیوسته است، خواسته های مردم ناراضی در عراق و بخصوص در بغداد چیست، آلترناتیو تظاهرکننده گان برای این وضعیت چیست؟
سمیرعادل: این ناراضیاتی ها درعراق که

این انقلاب آرزوی رویای

زندگی من است که به حقیقت

پیوسته است

مصاحبه با کمال ابو عیظه از رهبران کارگران مصر

مصاحبه با کمال ابو عیظه از "اتحادیه کارکنان جمع آوری مالیات بر املاک معاملات" - مصر (RETA) "ریتا" ترجمه: حبیب بکتاش
مقدمه از کمونیست هفتگی: مصاحبه ای که ملاحظه میکنید، در سایت های فارسی زبان منتشر شده است. ابو عیظه از فعالین کارگری با سابقه مصر، در این مصاحبه گوشه های ارزشمندی از تجارب خود و

درباره جوابیه رئیس حکومت

اقلیم

نامه سرگشاده حزب کمونیست کارگری کردستان به شورای موقت میدان آزادی

شورای موقت سرای آزادی شهر سلیمانیه با سلامهای گرم!
جوابیه رئیس حکومت تحت عنوان "جواب رئیس حکومت به مطالبات مردم" در نوع خود اعتراف (هرچند مبهم و غیرشفاف) به اراده مردم مبارز کردستان و اثبات کننده مطالبات برحق ماست.

حزب حکمتیست

تلاش در خفه کردن تحولات

انقلابی منطقه

در محکومیت دخالت نظامی غرب در لیبی

حضور نیروهای نظامی غرب، در لیبی، رویدادهای انقلابی در جهان عرب و خاورمیانه، را وارد فاز دیگری کرد.

کارگران جهان متحد شوید!



با تأثیر گرفتن از انقلاب مصر و تونس شعله ور شده، زاده فقر و ستمی است که مردم عراق در سایه آن زندگی میکنند. (واست و حویجه) در این اعتراضات روزبه روز در حال تغییر به جنبشی همگانی تر و بزرگ است که ابعاد آن تا سرنوشتی حکومت های محلی رویه گسترش است. همچنان که مطلع هستیم عراق، مصر و تونس نیست که دولتی مرکزی و متحد داشته باشد. مناطق عراق در بین نیروهای قومی و عشیره ای تقسیم شده است و به این خاطر است که میبینید مردم عصبانیت خود را بر سر حکومت های محلی، آنهایی که به انجمن های ایالتی معروف هستند، خالی میکنند و



شکل گیری اتحادیه های کارگری مستقل در مصر را بیان میکند که برای طبقه کارگر ایران و رهبران و فعالین آن حاوی تجاربی ارزشمند است. به همین دلیل ما توجه کارگران ایران و خصوصاً رهبران و فعالین کارگری را به این تجارب جلب میکنیم:

کمال ابو عیظه، رهبر "اتحادیه کارکنان جمع آوری مالیات بر املاک معاملات" (RETA) "ریتا"، اولین اتحادیه مستقل که در سال ۲۰۰۹ تحت رژیم مبارک تأسیس شد، سالهای زیادی را زیر فشارهای شدید علیه اتحادیه های آزاد زیسته است. در حالی که بیست و یک بار طی رژیم های سادات و مبارک دستگیر شده است، او درباره کار خود با کارگران در قلب انقلاب سخن می گوید. همزمان با بروز

صفحه ۴



گرچه مردم کردستان کاملاً محق اند تردید جدی داشته باشند که چنین جوابیه ای به معنی تحقق خواسته هایشان باشد، زیرا چندین سال است همین حکومت نسبت به مطالبات مردم بی تفاوت بوده و وعده های دروغین داده اند. اما صرف اذعان به حق مردم و وعده دادن، یک گام به جلو در مبارزات توده ای به سوی پیروزی می باشد. چیزیکه در قدم دوم پیشروی و ادامه مبارزه را بویژه در این مقطع تضمین می کند، عبارت است از آگاهی، اتحاد و تداوم مبارزه تا زمانی که کلیه مطالبات ما تحقق می یابد. چنین امری تضمین کننده جلوگیری از مانور حکومت در ناکام

صفحه ۳

رود نیروهای نظامی غرب به لیبی، و عملیات نظامی این نیروها، که نه برای "دفاع" از مردم لیبی در مقابل آدمکشی و کشتار و جنایات قذافی، بلکه عملاً در مقابل مردم، علیه تحرک انقلابی آنها و برای اهداف ارتجاعی خود صورت گرفت.

کشتار و جنایات قذافی برای غرب، برکتی شد تا بتواند به بهانه آن فرصتی طلایی بیابد و با دخالت نظامی مسیر تحولات انقلابی در خاورمیانه و شمال افریقا را تغییر دهد، فرصتی شد تا دخالت

صفحه ۵

محمد جعفری

حمله نظامی آمریکا، فرانسه و

بریتانیا به لیبی و ضرورت

هوشیاری مردم!

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لیبی و درسهای آن برای...

صحنه ای در جامعه مشهود نبوده و نیست. سهم خواهی سرمایه و ناسیونالیسم عرب در مصر، و به همین دلیل شرکتش در انقلاب در مصر و بصورت جنبشی همگانی، با آنچه در لیبی شاهد بوده ایم قابل مقایسه نیست.

در انقلاب مصر، جمعیت وسیعی در مقابل مبارک و دولتش گردهم آمدند و یک صدا خواهان پایان یافتن حکومت مبارک شدند. در لیبی چنین نشد و برخلاف مصر که تمامی پروسه بقولی "غیر خشونت آمیز" بود، از همان ابتدا چهره نظامی گرفت، و خارج کردن محلات و شهرها از دست دولت مرکزی بسرعت شروع شد. یکباره تعدادی نماینده خودگمار مردم شدند و "دولت" تشکیل دادند و خواستند که در سطح بین المللی برسیمت شناخته شوند. تصویر یک "جنگ داخلی" بر این پروسه سایه انداخته بود، که با انقلاب در مصر و تونس متفاوت بود. فراتر از این، در لیبی برخلاف مصر و تونس، تشکلهای و تجمعات گوناگون مردم و کارگران، طرح خواست های اقتصادی و سیاسی که در عرصه های متفاوت خود را بروز میداد، شکل نگرفت و وجود نیامد. به عبارتی، حضور گسترده مردم در مصر که با خواست مشخصان و با فشار به دولت "خلیفه ای"، که به مدت چند دهه در این کشورها حکمفرمایی میکردند، با نحوه به میدان آمدن مردم در لیبی و خواست های آنها، متفاوت بود. همین امر شرایطی را فراهم آورد که قزافی بر خلاف مبارک براحتی ارتش را وارد صحنه نبرد کند، و با تانک و بمب افکن به جان مردم بیاقتد.

در چنین صحنه ای، و در رویارویی نظامی با دیکتاتوری چون حکومت قزافی، در شرایطی که مردم در لیبی

امکان دفاع از خودشان را ندارند، آنها را در موقعیتی قرار می دهد که برای جلوگیری از کشت و کشتار وسیع، ناچار مجبور به دعوت همه جانبه از قدرتهای نظامی دول غربی، برای مقابله با ارتش قزافی شوند.

خواست دخالت نظامی به این معنی، نه غیر واقعی و نه مختص به جناحی از سرمایه در لیبی است، و نه صرفاً عملی ناشی از ولونتاریسم و ماجراجویی دول غربی. بلکه محصول کل صحنه نبردی است که در لیبی چیده شده است. همین مسئله به غرب این امکان را داده است که نه مثل عراق، بلکه با پرچم "دفاع از مردم"، وارد لیبی شود. همان دولت هایی که تا دیروز در چادرهای صحرایی قزافی درکنارش ایستادند و عکس گرفتند و قراردادهای میلیاردی بستند، امروز یکباره گوش مردم دنیا را از "بشردوستی" شان کر کرده اند. دورویی سرمایه جهانی و دولت هایش آنچنان مشتمن کننده است که گویی دنیا رواندا را ندیده است، کوسوا را ندیده است، عراق و افغانستان را ندیده است، و آفریقا امروز را نمی بیند. پروازجت های فانتوم و موشک های ارسالی از کشتی های چند صد کیلومتر دورتر، به هیچ وجه کمکی به تغییر این صحنه نمی کند. لیبی، افغانستان نیست، عراق هم نیست. باید معلوم باشد که چنین دخالت نظامی، نه از زاویه انگیزه ها، بلکه کاملاً ابژکتیو، چه تأثیری بر اوضاع و احوال در منطقه می گزارد.

قدر مسلم، سکوت چین و روسیه در سازمان ملل و عدم رأی و استفاده از وتو سنتی در مقابل دخالت های نظامی آمریکا و شرکای اروپایی، حاکی از امکانات و بده بستن هایی است که در پشت پرده انجام گرفته است و یا حتی در فردای پایان حمله نظامی برای

سرمایه چینی و روسی میسر خواهد شد. فراتر از این، نشان دادن توان و زور نظامی در تقابل با آزادیخواهی و احساس قدرت مردم در پایین کشیدن دولت ها، خواست مشترک تمامی این دولت ها بوده و هست. اینکه حضور نظامی تحت نام سازمان ملل و در فاصله کوتاهی جایگزین شدنش با ناتو میشود یا نه، و آیا تقویت بیشتر آن جهت امتیاز گرفتن های آتی مابین آمریکا و اروپا، صورت میگیرد یا نه، سولاتی است که لازم است مشخص تر و در جای دیگری به آن پرداخت. اما آنچه از پیش مشهود است، این است که دخالت نظامی هدفش تقابل با هرگونه تصویری است که مردم ناراضی و انقلابی در آن احساس قدرت کنند، هدفش مقابله با این باور است که مردم می توانند سرنوشت خویش را تعیین کنند. امری که در خاورمیانه و دسترسی به نفت، جایگاه خاصی برای کل بورژوازی دارد، و جملگی در این استراتژی سهمیم هستند و از آن نفع می برد.

تأمین امنیت سرمایه، و حتی به سرکردگی و قدرقدرتی نظامی غرب و آمریکا، برای سرمایه چینی و روسی هم مفید است، چه بسا که این دولت ها را از روی رویی مستقیم با مردم حفاظت می کند، و امکان تأمین سود سرمایه اش در منطقه را نیز تضمین می کند.

برای جنبش ما ضروری است که از همین امروز خود را برای چنین اوضاعی آماده کند. عبارت معروف لنین، تحلیل مشخص از شرایط مشخص، بیش از هرزمان دیگر برای کمونیسم کارگری در ایران صادق است. لیبی، لیبی است و مصر، مصر، و ایران، ایران! دوره انقلابات همگانی در ایران مدت هاست به سر آمده است.

تصویری که همه مردم در ایران را، مستقل از طبقات و نقش شان در تولید، در کنار هم میچیند و همگی را مخالف جمهوری اسلامی قلمداد می کند، نه توهم و اتویی، بلکه ریاکاری طبقات دیگر است. مبلغین این تصویر، راه انقلاب در ایران را مسدود می کنند، و در مقابل آن ایستاده اند. برای مقابله با دولت جمهوری اسلامی، برای انقلاب علیه سرمایه باید برنامه داشت و از پیش حاضر بود. خوشحالی و احساس قدرتی که هر آزادیخواهی از آنچه در خاورمیانه در جریان است می کند، فضایی را باز کرده است که می شود از آن استفاده کرد. و همچنین بار دیگر به ما ثابت کرده است که بایستی حزب و تشکل حزبی طبقه را پیش فرض هرگونه پیروزی در این راه، بدانیم. اگر کارگر در ایران متشکل نشود، اگر حزبی و تشکل حزبی اش را نداشته باشد، و اگر دولت جمهوری اسلامی سرمایه که با چنگ و دندان از حکومتش دفاع می کند را بدون چنین آمادگی به جنگ بطلید، با صحنه هایی بمراتب هارتر از قزافی مواجه میشود. و هرگونه دخالت گری نظامی "سازمان ملل"، ایران را به یک سناریو سیاه تبدیل میکند. برای مقابله با این سناریو، بایستی حاضر بود. نیروی مقابله با این سناریو، نه از بیرون بلکه بایستی از درون سازمان داده شده باشد. گارد آزادی یکی از اصلی ترین ابزار این کار است. باید انواع تشکیلات محلی و کارگری، برای جلوگیری از تحریکات ارتجاعی بورژوازی برای بکار گیری انواع و اقسام گروهای ضربتی و سرکوبگر، را فوراً ساخت. در یک جمله، باید متشکل شد و صحنه نبرد را خودمان بسازیم، و تعیین کنیم، تا بار دیگر گوشت دم توپ برای قدرت گیری جناح های گوناگون طبقات دیگر نشویم.

این انقلاب آرزوی رویای ...

سوال: موقعیت زنان در جنبش اتحادیه ای مستقل جدید چیست؟
جواب: سیزده نفر از چهل و شش عضو کمیته اجرائی "ریتا" زن هستند و معاون رئیس ما یک زن است. آنها همچنین نمایندگی خوبی در سطوح پایه ای دارند. زنان نقش کلیدی در جریان اعتصابات داشتند، مسئولیت سازماندهی عملی اعتصابی که شامل پنجاه هزار کارگر بود. بیست و پنج درصد از رهبران اتحادیه مستقل تکنسینهای بهداشت، زن هستند.

سوال: مشکلات اصلی شما در حال حاضر بطور مشخص کدامند؟
جواب: به لطف انقلاب تهدیدها علیه

اعضا و حمله توسط نیروهای امنیت و صاحبکاران متوقف شده است. مصاف اصلی ما در حال حاضر اینست که تقاضاهای زیادی را که برای تشکیل اتحادیه های سطح پایه دریافت می کنیم را مدیریت کنیم بطوریکه آنها بتوانند بسرعت و در موافقت با اصول آزادی و حقوق اتحادیه ای ایجاد شوند. بعد از زندگی تحت سیستم تک اتحادیه ای برای دهه ها، کار خیلی زیادی لازم است برای تغییر ذهنیت مردم، هم بعنوان افراد و هم بعنوان عادت و زبان اتحادیه ای. بیشتر کارگران هرگز قادر نبوده اند حقوق اتحادیه ای را تمرین کنند. کار آموزشی عظیمی لازم خواهد بود.
سوال: چه حمایت هایی را از جنبش جهانی اتحادیه های کارگری انتظار

دارید؟
جواب: حمایت ITUC از اول کار مهم بوده است. ای تی یو سی همیشه به اصل آزادی اتحادیه های کارگری وفادار مانده است و کار با "ای تی یو اف" را رد کرده است که کمک زیادی برای ما بوده. همچنین پیوستن ما به "بین الملل خدمات عمومی" (PSI) به ما کمک کرده است. تا اینجا پی اس ای برای ما فرصت آموزش بوجود آورده و نامه های حمایتی که از طرف سازمانهای عضو پی اس ای به مبارک و "ای تی یو اف" فرستاده شده حمایت بزرگی برای ما بود.
سوال: بنابراین آموزش و کارآموزی عملی خواستهای اساسی شما از جنبش بین المللی اتحادیه های کارگریست؟
جواب: ما پول نمی خواهیم. یک سری تجربیات نشان داده است که جریان پول از خارج نتایج خوبی به بار نمی آورد و بسادگی به سرایشی فساد منتهی می شود. آموزش و کارآموزی عملی در صدر خواسته های ماست. ما همچنین می خواهیم روابط مان را با کشورهای دیگر آفریقای شمالی، نظیر تونس و مراکش محکم تر کنیم. اینها در زمینه آموزش کار عملی تجربه بیشتری دارند؛ مثلاً برای زنان و جوانان. ما تجربه محکمی در زمینه اعتصاب داریم. ما تجاربمان را به همدیگر منتقل خواهیم کرد و از همدیگر خواهیم آموخت.
مارس ۲۰۱۱

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مسیر اعتراضات در عراق..

کرکوک ناچار شدند که دست از کاربکشند و تعطیل شدند.

خواسته های مردم عراق نزدیک است که یکپارچه شود. چون مردم خواهان مقابله با فساد و بیکاری و خلاصی از فقر و تنگدستی و برقراری آزادی های سیاسی و ارج نهادن به حقوق ابتدایی انسانی هستند. آنها خواهان آزادی های مدنی و بسته شدن زندانهای مخفی و پایان دادن به شکنجه و بازداشت مردم هستند. اما در بغداد اعتراضات ابعاد سیاسی برجسته تری به خود نسبت به دیگر استانهای عراق گرفته است و این هم به این خاطر است که بغداد پایتخت مرکزی عراق است و بر دیگر شهرها از لحاظ سیاسی و اجتماعی تأثیر میگذارد. در بغداد علاوه بر این خواسته ها، خواسته های سیاسی دیگری هستند که عبارتند از واژگون کردن سیستم قومی - عشیره ای تقسیم قدرت و تمرکز بر سرنگون کردن انجمن ایالتی بغداد و ممانعت از کار حاکمیت در بغداد که مشهور به این است، میخواید حکومت مذهبی را در بغداد تحمیل کند. ویژه گی تظاهراتی که در این بود که به شیوه ای بسیار متمدانه اجرا شدند، مثل شرکت وسیع زنان که حداقل در هشت سال گذشته بی نظیر بوده است، اجرای شوهای موسیقی و آواز و تأثر و نمایشگاه عکس، و جمع شدن دور یک پرچم و آنهم پرچم آزادی و آن خواسته هایی است که اعلام گردیده و همه شعارهای قومی و عشیره ای را به کنار میزند.

ناگفته نماند که مردم با هوشیاری انقلابی ابعاد خواسته های خود را قدم به قدم به جلو میبرند و این هوشیاری از اینجا آشکار میشود که نیروهای طایفه ای و قومی مانند "راه صدر" نتوانستند مردم را بدنبال خود بکشند، که می خواست با کشیدن مردم برای محلی دیگر بجز میدان تحریر، به بهانه اجرای رفراندوم برای ندای حکومت، خواسته های مردم را به کج راه بربرد. در حالی که هیچ آلترناتیو دیگری را به غیر از بهینه سازی برای حکومت جلو راه مردم نگذاشته است.

کمونیست : چه قدمهای پراتیکی و سیاسی ای در شرایط کنونی باید برداشته شود تا تظاهراتها در ابعاد اجتماعی وسیع و سازمان یافته گردند، بطوری که تمام عرصه های زندگی اجتماعی را در بر بگیرد؟

سمیر عادل : ما وقوع این اعتراضات مردمی را پیشبینی کرده بودیم و به این دلیل در یک ماه و نیم قبل تصمیم گرفتیم که خواسته های مردم در همه جا از طریق حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق و اتحادیه

عمومی شوراها و سندیکاها و اتحادیه دانش آموزان و جوانان مترقی، متحدانه اعلام گردد و به این شیوه خواسته های مردم در زیر یک لایحه سازمان داده شوند. عملاً کمیته ای هم به اسم "کمیته ناراضیتهای مردمی در عراق" از نمایندگان و فعالین این سازمانها تشکیل دادیم و بعداً به همه نیروها برای پیوستن به آن فراخوان دادیم و به این طریق با پیوستن نماینده گان نیروهای دیگر و شخصیتهای اجتماعی و آزادی خواه و دانشجو و کارمند و کارگر به آن، ابعاد کمیته گسترش پیدا کرد. بعداً

کمیته دست به انتشار نشریه ای روزانه به اسم "روزانه انقلاب" داد که همه روزه چاپ میگردد و از طریق شبکه کمیته بخش میشود. و کمیته مشغول درست کردن کمیته های فرعی ای در مناطق و محلات و دانشگاه ها و کارگاه است. به همین دلیل وظیفه ما این است که با سازمان دادن مردمی، در آن کمیته هایی که ذکر کردیم به این خود به خودی جنبش پایان دهیم و به این خاطر ما نوشته ایم و گفته ایم و تکرار کرده ایم (سازماندهی، سازماندهی، سازماندهی و بازهم سازماندهی) . و مسئله دیگر پاسداری از شتاب این جنبش و جلوگیری از ضربات امنیتی ای است که فعالین و شخصیتهای این انقلاب را هدف قرار داده است. مانع دیگر کمبود کادرهای سیاسی ای است که بتوانند از اوضاع سر در بیاورند و دارای درایت سیاسی باشند و در صحنه کار کنند تا این جنبش را به اهداف خود برسانند. تمام آنهایی که امروز به مبارزه روزانه پیوسته اند از لحاظ کار سیاسی مبتدی هستند، بخصوص بخش زیادی از آنها جوانانی هستند که کار سیاسی نکرده اند اما خیلی پرشورند و هم زمان ناهماهنگی صف رهبران این جنبش فاکتور دیگر و مانع دیگری است که بر سر راه این جنبش ایستاده است. کمبود امکانات مادی هم یکی از مسائل مستقیم و مانعی جدی است که باعث میشود این جنبش ترقی نکند.

در جواب سوال اول در باره تشکیل کمیته های مردمی گفتیم که ما تلاش میکنیم که کمیته های بیشتری از این نوع درست کنیم و در بین تمامی نیروهای شرکت کننده در این جنبش هماهنگی ایجاد کنیم. چیزی که مقدم بر این موانع است، معلوم کردن خود این موانع است و قدم آینده ما ریختن نقشه ای است برای پشت سر گذاشتن این موانع. بر اساس آن امکاناتی که هم اکنون داریم راه های به جلو بردن این جنبش را بررسی کرده ایم. ما باید آینده این جنبش را ارتقا دهیم که فرصتی تاریخی است برای ما مانند چپ که سیمای سیاسی جامعه را ترسیم کنیم و معدلات سیاسی عراق را از نو بریزیم.

درباره جوابیه رئیس حکومت...

به مردم باز کرده است. باید قدرت حاکمه این واقعیت را بپذیرد که عدم اعتماد به حکومت در جامعه به سطح بسیار بالایی رسیده است. بنابراین ضرورت دارد که حکومت قبل از هر کاری و به عنوان پیش شرط، مجموعه ای از اقدامات عملی را به عنوان یک مقدمه و نشان دهنده نیت آنها در تحقق مطالبات مردم انجام دهد از جمله:

۱- برسمیت شناختن شورای میدان آزادی به عنوان شورایی که نماینده مردم و مطالبات آنهاست. در این خصوص باید حکومت قرار را صادر نماید و از رسانه های جمعی اعلام نماید. حکومت باید شورای موقت را به عنوان نماینده خواسته های مردم برسمیت بشناسد و به منظور انجام تمامی مطالبات اساسی با آنها مذاکره نماید.

۲- تعیین محدوده زمانی چند روزه برای اجرای خواست مردم مبنی بر پاکسازی کلیه شهرهای کردستان از مراکز نظامی احزاب

۳- معرفی فوری، شفاف و آشکار مجرمین رویدادهای ۱۷،۱۹ و ۲۶ فوریه در شهر سلیمانیه؛ رویدادهای هلیجه، کلار و چمچمال؛ عوامل به آتش کشیدن تلویزیون نالیا؛ رویدادهای مربوط به ربودن افراد معترض و فعالین سیاسی و افراد ناراضی. بدون اجرای چنین خواسته هایی نمی توان به حکومت هیچ اعتمادی داشت.

۴- توقف هر گونه تهدید، ارعاب و دستگیری افراد معترض و شرکت کنندگان تظاهرات در سرتاسر کردستان بطور رسمی از جانب حکومت

۵- اعلام آزادی بی قید و شرط تظاهرات در سرتاسر کردستان؛ آزادی سیاسی و فعالیت حزبی و توده ای؛ آزادی اندیشه، انتقاد و ژورنالیسم. انحلال کلیه قوانین و تصمیماتی که در تعارض با آنها قرار دارد بویژه قانون منع تظاهرات بطور رسمی از جانب حکومت

۶- اعلام رسمی برچیدن فضای میلیتاریزه در شهرهای کردستان بویژه فضایی که بر شهرهای اربیل و کلار حاکم است از جانب حکومت

۷- تعیین محدوده زمانی مشخص برای تحقق خواسته های اولیه شورای موقت شورای موقت نتایج مذاکرات با حکومت را طبق پروتکل اعلام نماید و باید عملاً مستقل از حکومت باشد. در صورت عدم تحقق موارد بالا هر گونه مذاکره و تعهدی از سوی معترضین و شورالغو خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری کردستان

۱۴ مارس ۲۰۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ابن انقلاب آرزوی رویای ...

داشتید؟

جواب: من يك احساس غیرقابل توصیف خوشی در دیدن اینکه رویاهای زندگی به واقعیت می پیوندند داشتم. ما سالها تظاهرات محدود خیابانی برگزار کردیم، اما دیدن اینکه توده های وسیع مردم مصر خیابانها را به تصرف در آوردند شادی غیرقابل توصیفی داشت.

سوال: شکل گیری چنین حرکت عظیم انقلابی در چنین مدت زمان کوتاهی را چگونه توضیح می دهید؟

جواب: جوانان بشکل مؤثری از فیسبوک و تکنولوژی جدید ارتباطی استفاده کردند و قادر شدند شمار عظیم مردم را در حمایت از انقلاب به حرکت در آورند. در عین حال از سال ۲۰۰۶ به بعد کارگران حرکات اعتصابی خود را در سراسر کشور شروع کرده بودند که زمینه را برای انقلاب آماده کرده بود. از طریق این اعتصاب بود که کارگران بر ترس فائق آمدند، جسارت تظاهرات خیابانی را یافتند و خود را سازمان دادند. کمیته های مردمی ایجاد شد تا امنیت مناطق مختلف تأمین گردد و همچنین از ابزار تولید در شرکتها مواظبت شود.

سوال: مراحل مختلف نبرد برای عدالت اجتماعی و حقوق اتحادیه ای که منجر به تشکیل "ریتا" شد کدامها بودند؟

جواب: ما قبلا در کمیته دانشجویی در سال ۱۹۷۲ برای يك چنین انقلابی نبرد و تظاهرات را شروع کرده بودیم. اما هنوز زمانش فرا نرسیده بود. خیزش توده ای علیه قیمت نان و سایر کالاها اساسی از ۱۷ تا ۱۹ ژانویه سال ۱۹۷۷ يك لحظه کلیدی در این جنگ طولانی بود که طی آن ۲۱ بار در رژیمهای سادات و مبارک دستگیر شد.

از سال ۱۹۷۷ به بعد تنها فدراسیون اتحادیه های کارگری مصر (ETUF) "ای تی یو اف" رسمی بود و تشکیل يك اتحادیه جدید غیرممکن بود. دولت مشخصا فشار زیادی به بخش عمومی گذاشت. در سال ۲۰۰۷ ما گام اول را، با سازماندهی گروهی از کارگران و فراخوان اعتصاب برداشتیم. با شرکت بیش از ۵۰ هزار کارگر جواب بسیار مثبتی گرفتیم. ۲۹ کمیته در استانها و يك کمیته هماهنگ کننده در قاهره تشکیل دادیم. اولین کارگران بخش عمومی در تاریخ (مصر) بودیم که خارج از محل کار اعتصاب می کردیم؛ و بسمت ساختمان مجلس راهپیمایی کردیم. وزیر اقتصاد بالاخره تسلیم خواسته های ما شد و ما افزایش دستمزد و فرصت ارتقاء شغلی بهتری کسب کردیم. بدنبال موفقیت اعتصاب جلسات بحث و تحلیل با کمیته های محلی و

سراسری ترتیب دادیم، و همه آنها، در تمام مناطق توافق کردند که اتحادیه های کارگری تشکیل دهند.

"ای تی یو اف"، که از وزیر اقتصاد خواسته بود توجهی به خواسته های ما نکند، در ادامه تلاش خود در سال ۲۰۰۹ به جرم غیرقانونی بودن علیه اتحادیه ما شکایت کرد. دفتر کار ما بسته شد و من توسط نیروهای امنیت داخلی دستگیر شدم. من بعنوان وکیل مدافع خود، با استناد به حقوق تضمین شده در قانون اساسی مبنی بر آزادی تشکیل اتحادیه، در توافق با کنوانسیون ILO در مورد آزادی تشکل که مصر آن را امضا کرده است، ساعتها از خود دفاع کردم. در نتیجه آن، قاضی، پرونده علیه من را رد کرد. در جریان محاکمه ام کارگران در برابر ساختمانی که من را در آن بازداشت کرده بودند تظاهرات می کردند. اگر این تظاهرات نبود، من را خیلی بیشتر نگاه می داشتند.

رهبران "ای تی یو اف" که بخشی از کمیته سیاسی حزب مبارک NDP هستند، همراه با اعضای مجلس هر چه در قدرتشان بود کردند تا کارگران را مجبور به ترك "ریتا" کنند. در مخالفت کامل با قانون، "ای تی یو اف" يك اتحادیه رقیب در بخش ما تشکیل داد. علیرغم همه این مشکلات "ریتا" صاحب ۴۱ هزار عضو از مجموع ۴۸ هزار کارمند این بخش در سرتاسر کشور است. این يك نمایندگی بسیار وسیع است. با این احوال، "ای تی یو اف" اعضای "ریتا" را مجبور کرد حق عضویت اتحادیه ای را به آن بپردازد که بطور اتوماتیک از حقوق شان کسر می شد. بدنبال اعتراضاتی که صورت گرفت، ۶۰۰۰ نفر از مسئولیت پرداخت آن آزاد شدند که اکثریت هنوز مجبور به پرداخت آن است.

سوال: از زمان شروع انقلاب چه میزان منتقد مواضع "ای تی یو اف" بوده اید؟

جواب: اولین کاری که "ای تی یو اف" کرد این بود که با تشکیل کمیته های از پیوستن هر گروهی از کارگران به اعتصاب و تظاهرات جلوگیری کند. پولی که "ای تی یو اف" از حق عضویت اتحادیه ای و از دولت انباشته بود به قمه کشان پرداخت شد که به خیابانها ریختند و جمعیت را مرعوب کردند. وقتی که "ای تی یو اف" برای رقابت با "ریتا" يك اتحادیه در بخش ما تشکیل داد قادر نشد کسی از بخش مالی را به رهبری آن بگمارد؛ تا اینکه کسی را از بخش بانکی آوردند که بعدا با رهبری از بخش تولید نظامی جایگزین شد. این شخص بخشی از نیروهای ضدانقلابی بود که در "حمله شترسواران" در میدان تحریر شرکت

کرد. من همراه با اعضای "ریتا" از "محلّه" و سایر شهرها در میدان تحریر بودیم. او حتی تا جایی پیش رفت که در مقابل دوربین ها گفت که تظاهرات کنندگان را مجازات خواهند کرد و انقلاب را در هم خواهند شکست و بدترین توهین را به ما کرد تا اینکه توسط تظاهرات کنندگان انقلابی سر جای خود نشاندند. هنوز این شخص رهبر اتحادیه قلابی "ای تی یو اف" در بخش ماست!

کارگران زیادی از همه بخشها خشم زیادی علیه "ای تی یو اف" انباشته کرده اند. به این خاطر است که وقتی کارمندان دانشگاهی اعتصاب کردند آنها معاون "ای تی یو اف" را که برای توقف اعتصاب آمده بودند، ربودند. همین حادثه در کارخانه فولاد اتفاق افتاد.

حالا ما پیامهای روزانه از "ای تی یو اف" دریافت می کنیم که می گوید حق آزادی تشکل را برسمیت می شناسد و پیشنهاد می کند که با هم همکاری کنیم. اما تنها اعتصابی که "ای تی یو اف" حمایت کرد، اعتصاب پارسال در کارخانه نساجی در منطقه صنعتی تانتا (Tanta) بود. دخالت کرد تا کارگران را به قبول بازنشستگی پیش از موعد تحت فشار قرار دهد. اما بعد از شش ماه اعتصاب، کارگران به حال خود رها شده اند و هنوز بیکارند. هدف بستن کارخانه بود، نه دفاع از کارگران که اکنون همه بیکارند.

سوال: آیا دولتی که بدنبال ترك مبارک بوجود آمده انتظارات شما را برآورده می کند؟

جواب: ما نگرانیهای جدی درباره وزیر کار داریم. من يك شب بیخوابی کشیدم از اینکه از تلویزیون شنیدم که وزیر کار دولت جدید، از اعضای رهبری "ای تی یو اف" است. ما به هیچ وجه نمی توانستیم این را بپذیریم. پس از آن معاون نخست وزیر خواست با کمال عباس از CTUWS (مرکز اتحادیه کارگری و خدمات کارگری) که از اتحادیه های مستقل حمایت می کند ملاقات کند و به او پیشنهاد وزارت کار را داد. اما ما احمد حسن ال بورائی را پیشنهاد کردیم که يك متخصص ILO بوده است. در حالی که کاندیداتوری ایشان توسط بعضی رسانه ها پخش شده بود، با کمال تعجب خزانه دار "ای تی یو اف" که آشکارا در فساد دست داشت، انتصاب شد. ایشان با ما و همچنین با کمال عباس از CTUWS و سایر اتحادیه های مستقل تماس گرفت اما ما ملاقات با ایشان را رد کردیم. امیدواریم که با استعفای نخست وزیر در سوم مارس ایشان هم جایگزین شوند. کاندیداتوری احمد حسن ال بورائی که مورد حمایت ماست، هنوز

سرچایش است. **سوال:** در دوم مارس اولین کنفرانس فدراسیون جدید مصر از اتحادیه های مستقل کارگری در اداره اتحادیه ژورنالیستها، در نزدیکی میدان تحریر برگزار شد. چگونه می شود از آن بعنوان ابزاری قدرتمند برای دفاع از حقوق همه کارگران مصری استفاده کرد؟

جواب: چند روز قبل از انقلاب ۲۵ ژانویه، من و رهبران چهار اتحادیه مستقل دیگر تصمیم گرفته بودیم که فدراسیون جدیدی را ایجاد کنیم، اما بعضی از ماها ترجیح دادند که تا اول ماه مه صبر کنند. وقتی که انقلاب شروع شد، سریعاً تصمیم گرفتیم که تشکیل فدراسیون جدید را در میدان تحریر، که همگی آنجا جمع شده بودیم، اعلام کنیم. سریعاً فراخوان يك اعتصاب عمومی را دادیم. قبل از انقلاب ما همه ترس داشتیم از اینکه چه کسی از ما و چگونه مجازات خواهیم شد. اما با وجود انقلاب احساس امنیت کردیم. اولین کنفرانس در دوم مارس فرصتی به ما داد تا خواسته های خود را مبنی بر حداقل دستمزد، امنیت اجتماعی و احترام به آزادی تشکل را در سطح عمومی اعلام کنیم. هر روز صدها کارگر در تمام بخشها، عمومی و خصوصی، با ما تماس می گیرند و می خواهند اتحادیه تشکیل دهند. ما تلاش می کنیم آنها را راهنمایی کنیم و شیوه کار را به آنها بیاموزیم. این کار بزرگی است.

سوال: در حالی که همه چیز باید از نو ساخته شود، آینده این فدراسیون تر و تازه را چگونه پیش بینی می کنید؟

جواب: يك موضوعی که باید روش کار شود ساختن فدراسیونی است که واقعا قادر باشد همه کارگران مصر را در اسرع وقت دور هم جمع کند. کنار هم قرار دادن اتحادیه های کارگری و سندیکاها که امروزه دکتورها، وکیلها، ژورنالیستها و مهندسين را نمایندگی می کنند. اما همچنین باید در بروی کارگران روستاها (Fellahs) که هیچگونه تجربه سازماندهی ندارند، ولی قلب مصر را که سنتا کشور کشاورزان است، باز بگذاریم و بتوانیم آنها را هم در کنار دیگران قرار بدهیم.

سوال: چگونه می خواهید این کار را انجام بدهید؟

جواب: طرح این است که مراکز اتحادیه های کارگری عمومی را در تمام استانها تشکیل دهیم. برای مثال، اگر گروهی از کارگران کشاورزی بخواهند متصل شوند، آنها می توانند يك نماینده اتحادیه انتخاب کنند که آنها را به فدراسیون وصل می کند. بعد از آن می توانند فدراسیونهای بخشی (حرفه ای) تشکیل دهند.

کارگران جهان متحد شوید!

محمد جعفری

حمله نظامی آمریکا، فرانسه و بریتانیا به لیبی و ضرورت هوشیاری مردم!

دخالت نظامی اینها این تصویر را عوض می نماید. اگر شکل دادن به مذهب و محبوب کردن سببهای بورژوازی مانند ارتش و... محکوم است، دخالت نظامی اینها بطریق اولی ارتجاع تر و محکوم است. انقلابات از پایه و بدون توسل به حکومت‌های آمریکا، فرانسه، بریتانیا و... داشت به داده های امکان پذیر مردم جهان تبدیل می شد. اینها دارند این صورت مساله را به چیزی که خود دوست دارند مساله مردم کنند و تغییر ماهیت دهند. این اقدام ضد انقلابی است. بازگرداندن جهان به سناریوهای مورد نظر امپریالیستها جهت جلوگیری از رشد رادیکالیسم و توقع به تغییر انقلابی و رشد دامنه انقلاب مردم به قبل از سال ۲۰۱۱. باید اجازه نداد این تصویر بوجود بیاید که مردم نمی توانند حکومت ها را بدون دخالت قدرتهای "دمکراسی" امپریالیستی تغییر بدهند. باید مانع شکل گیری مجدد این تصور شد که تنها با دخالت امریکا می توان کاری انجام داد و دخالتش توسط مردم به فال نیک گرفته شود. کیس لیبی برای این حکومت‌های سوژه مناسبی است: لیبی بنیه قوی ندارد به اینها جواب بدهد. ۴۲ سال قذافی در حاکمیت است و این سوژه جاذبه خوبی برای تبلیغات عامه پسند در پنهان کردن

شده بودند. مردم انقلابی بدون دخالت (رژیم چنج) این حکومتها، رژیم های مرتجع و همکاران اینها را یکی پس از دیگری تغییر دادند و اینها آچمز شدند. این اراده در ذهنیت مردم جهان بوجود آمده که مردم در هر کشوری اگر اراده کنند بدون آمریکا... می توانند حکومت عوض کنند دارد به روانشناسی مردم تبدیل می شود. بورژوازی جهانی می خواهد این روند را قیچی کند و سفره را جلوی مردم رادیکال جمع نماید. اکنون در منفذ کیس لیبی دارند اجنده جدید جهان را به سناریوی کهنه ما قبل سال ۲۰۱۱ و پیش از انقلابات مصر و تونس بر می گردانند!

مساله "دفاع" از مردم لیبی بی مورد ترین مساله این قدرتها است که به آن فکر می کنند. اسرائیل ده ها بار علیه مردم فلسطین (جنساید) کرد و حمایت این دولتها را با خود داشت. مساله جنگ اینها با قذافی "دفاع" از مردم لیبی نیست، تماما برای برگرداندن صورت مساله مردم به پیش از انقلاب مصر و تونس است. این اقدام فکر شده بورژوازی جهانی جهت جلوگیری از عوض کردن حکومت ها به شکل انقلابی است. قذافی ده سال دیگر در حکومت بماند نمی تواند این اراده از مردم بازپس بگیرد که می توان حکومت ها را سرنگون کرد؛ اما

اقدام بازگرداندن جهان به سال ۲۰۱۰ عملی ضد انقلابی است. بدنبال انقلابات مصر و تونس، بورژوازی جهانی مانده بود که با این موج چکار کند و چگونه از دامنه آن جلوگیری نماید. بالاخره جلسه آشکار و پنهان تشکیل دادند، آمدند و رفتند تا سوژه گیر آوردند. حمله نظامی دیشب حکومت‌های آمریکا، فرانسه و بریتانیا به لیبی اقدام فکر شده بورژوازی جهانی در این رابطه است. این عین سوژه مهندسی افکار عمومی آوردن مردم جهان به پشت نظم نوین جهانی به بهانه "سلاح های کشتار جمعی" جنگ با صدام حسین است.

این حمله نظامی چند هدف از جمله بازسازی موقعیت تضعیف شده بلوک غرب بر رقبای جدید چین، روسیه و هند تعقیب میکند. و مهمتر از این، میخواهند مسیر انقلاب مردمی در سطح جهانی را عوض کنند. حکومت‌های آمریکا، فرانسه، بریتانیا و... در جریان انقلابات سال ۲۰۱۱ حاشیه ای

تلاش در خفه کردن تحولات...

کنند که بدون دخالت غرب ادامه این تحولات ممکن نیست. و فرصتی شد برای اجرای اهداف ارتجاعی، میلیتاریستی و امپریالیستی خود، و سرپوش گذاشتن بر تناقضات بورژوازی جهانی. فرصتی شد تا بتوان به بهانه آن به میلیتاریسم غرب، و این بار در راس آن اروپا، "مشروعیت" داد و غرب را بعنوان قدرت نظامی جهان، به سایر رقبای اقتصادی و نظامی، چین و روسیه، تحمیل کرد.

دخالت نظامی غرب در لیبی، ربطی به همبستگی بین المللی و "حقوق بشر" و دفاع از مردم لیبی ندارد. قذافی، بن علی، حسنی مبارک و بقیه سران مرتجع کشورهای عربی، هم پیمانان سیاسی - نظامی و اقتصادی دولتها فرانسه، انگلستان، امریکا و... بوده اند و وسیعترین روابط مالی اقتصادی با این کشورها داشته اند. "دفاع" از مردم و خواستهای انقلابی آنان در مقابل هم پیمانان دیروزی جز ریاکاری و حقه بازی برای پیشبرد اهداف کثیف خود علیه مردم انقلابی نیست. همانطور که تحریکات ارتجاع اسلامی ایران در "دفاع" از مبارزات مردم در جهان عرب، ربطی به خواست های انقلابی

دخالت نیروهایی که در سایر کشورهای خاورمیانه در حال مبارزه اند، دخالت نیروهای مدافع طبقه کارگر و کمونیست ها، است که میتواند سرنگونی انقلابی قذافی را سرآغاز شرایطی برای دستیابی مردم و طبقه کارگر در این کشورها برای آزادی و برابری فراهم کند.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

اول فروردین ۱۳۹۰ - ۲۱ مارس ۲۰۱۱

جامعه لیبی را وارد فاز بسیار سیاهی، وارد سناریوی جنگ داخلی و میدان داری دسته جات قومی، عشیره ای و ارتجاعی کند و کل جامعه را به کابوسی فرو برد که تنها تباهی و فقر و جنایت و کشتار را نصیب طبقه کارگر و مردم معترض خواهد کرد.

حزب حکمتیست دخالت نیروهای نظامی غرب در تحولات انقلابی در جهان عرب را محکوم میکند، آن را نقشه مهندسی شده غرب برای سد کردن تحولات انقلابی در مصر و تونس و ادامه دامنه انقلابی آن به سایر کشورهای عربی میداند که تا کنون مردم انقلابی دولتهای دوست و هم پیمان غرب را به مصاف طلبیده اند و همزمان وسیله ای برای "احیا" نقش میلیتاریستی غرب در جهان، و مانعی در مقابل مردم و طبقه کارگر این کشورها برای تعیین تکلیف حکومت هایشان میداند.

به این دخالت باید بلافاصله پایان داد. تنها یک همبستگی بین المللی و انقلابی از نیروهایی که مدافع مردم لیبی و مبارزه آنها برای به زیر کشیدن حکومت مستبد قذافی اند، میتواند در مقابل این روند، بایستد. تنها همبستگی نیروهای انقلابی که دولتهای فاسد در مصر و تونس را سرنگون کرده اند،

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم